

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستاره شرق

ویژه نامه بزرگداشت علامه محمد اقبال لاهوری

محمد نقی احمد پور



ستاره شرق

کد: ۸۷۵

نویسنده: محمدنقی احمدپور

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۸۵۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۹۶۴-۸۶۰۶-۷۱-۴ \ ISBN: 964-8606-71-4

فهرست مطالب

۱	 دیباچه
۳	 پیش‌گفتار

● فصل اول: طلوع و غروب علامه اقبال لاهوری

۷	 نسب اقبال
۸	 مهاجرت اجداد اقبال
۹	 تولد
۹	 پدر اقبال
۱۰	 مادر اقبال
۱۰	 ویژگی‌های خانواده
۱۱	 کودکی اقبال
۱۲	 جوانی اقبال
۱۳	 اقبال غریب و تنها
۱۳	 بیماری اقبال
۱۳	 غروب اقبال

● فصل دوم: زندگی علمی اقبال لاهوری

۱۵	آغاز تحصیلات
۱۵	آغاز شعر گفتن
۱۵	دوره متوسطه
۱۶	ادامه شاعری
۱۷	ورود به دانشگاه
۱۷	انتشار نخستین شعر در لاهور
۱۸	اقبال در اروپا
۱۹	دگرگونی‌های فکری
۲۰	بازگشت اقبال به وطن
۲۱	اعطای لقب Sir به اقبال
۲۲	آموزش در لاهور
۲۲	دعوت به افغانستان
۲۳	استادان اقبال
۲۴	آثار علامه اقبال
۲۷	اسرار خودی
۲۷	رموز بی خودی
۲۸	پس چه باید کرد ای قوم شرق؟
۲۹	پیام شرق
۲۹	احیای فکر دینی در اسلام
۳۳	اهتمام به زبان فارسی در آثار اقبال

● فصل سوم: شعر اقبال

۳۶	سبک شعری اقبال
۳۹	هدف اقبال از سرودن شعر
۴۰	آیه‌ها و روایت‌ها در شعر اقبال
۴۲	پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین (ع) در شعر اقبال
۴۴	در تکریم و تعظیم ولایت علی (ع)
۴۶	در معنی حریت و راز حادثه کربلا

۴۸	جایگاه مادر و زن در شعر اقبال
۵۰	زن و مقام مادری
۵۱	عشق، شهید و شاهد در شعر اقبال

● فصل چهارم: ویژگی‌های اخلاقی

۵۵	عزت نفس
۵۶	پشتکار و سخت‌کوشی
۵۸	سحرخیزی
۵۸	انس با قرآن
۶۰	داشتن امید
۶۲	تیزهوشی و نبوغ ویژه
۶۳	مردمی بودن
۶۴	نفی بندگی (غیر خدا) و عشق به آزادی
۶۵	معنویت‌گرایی
۶۸	تعصب اسلامی

● فصل پنجم: فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی

۷۰	آغاز فعالیت‌های سیاسی
۷۱	اقبال و حزب مسلم لیگ
۷۴	طرح تشکیل کشور اسلامی پاکستان
۷۸	دفاع از فلسطین
۸۰	زنده ساختن اندیشه دینی
۸۱	ایجاد حلقه دوستی میان کشورهای منطقه
۸۲	گسترش زبان فارسی

● فصل ششم: اندیشه‌ها

۸۴	فلسفه خودی اقبال
۸۷	فلسفه نماز
۸۷	دعوت به انقلاب

۹۰	 اقبال و ایران
۹۳	 ناسیونالیسم و وطن پرستی
۹۵	 غرب
۹۸	 هنر
۹۹	 جبر و اختیار
۱۰۱	 دیانت و سیاست
۱۰۲	 هدف های آموزش و پرورش

● فصل هفتم: اقبال در نگاه دیگران

۱۰۵	 مقام معظم رهبری
۱۰۵	 سید محمد خاتمی
۱۰۶	 شهید مرتضی مطهری
۱۰۸	 محمد علی جناح، قائد اعظم و بنیان گذار پاکستان
۱۰۸	 دکتر علی شریعتی
۱۰۹	 سید جعفر شهیدی
۱۰۹	 علی اکبر دهخدا
۱۱۰	 ملک الشعرای بهار
۱۱۰	 امیر شکیب ارسلان، دانشمند و نویسنده بزرگ شرق

● فصل هشتم: اشعار اقبال

۱۱۱	 چراغ لاله
۱۱۲	 پیام (به فرنگ)
۱۱۲	 خرابات فرنگ
۱۱۳	 سیاست حاضر
۱۱۴	 غلامی
۱۱۴	 شرق و غرب
۱۱۵	 دین و وطن
۱۱۶	 به حق دل بند و راه مصطفی (حضور ملت)

● فصل نهم: متون ادبی

۱۱۷	ستاره اقبال
۱۲۰	خورشید اقبال
۱۲۱	مژده پیروزی
۱۲۲	با آوای تکبیر
۱۲۲	چراغ لاله

● فصل دهم: همراه با برنامه سازان

۱۲۴	پیشنهادهای کلی
۱۲۶	پیشنهادهای برنامه سازی
۱۲۷	پرسش های مسابقه ای
۱۲۸	پرسش های مردمی
۱۲۹	پرسش های کارشناسی
۱۳۰	کتاب شناسی
۱۳۱	کتاب نامه

دیباچه

تاریخ بشریت همواره شاهد ستارگان پر فروغی است که با درخشش خود، پرده تیرگی‌ها را کنار زده و نور امید را به ارمغان آورده‌اند. علامه اقبال لاهوری، یکی از این ستارگان بود که با طلوع خود، تاریکی جهل و غفلت را زدود و آمیزه‌ای از برهان و عرفان، سیاست و دیانت، جهاد و اخلاق و دشمن ستیزی و مردم خواهی بود که هم با گذشته اصیل، پیوندی ناگسستنی داشت و هم افق آینده را به نیکی می‌نگریست. اقبال با اندیشه ژرف، اراده استوار و روح لطیفش، شخصیت ممتازی یافته بود که آوازه‌اش، مرزها را در نور دید و جاودانه شد. باید گفت چنین شخصیتی که از یک سو، اندیشه‌های بلند انسانی، دینی، سیاسی، اجتماعی و تربیتی دارد و از سوی دیگر، فرهنگ حاکم بر غرب را افیون ملت‌ها می‌داند، الگویی شایسته و کم‌نظیر در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان به شمار می‌رود. اثر حاضر، جستاری در زندگی علامه محمد اقبال لاهوری است که برای تبیین جنبه‌های شخصیتی وی در برنامه‌های گوناگون صدا و سیما تنظیم شده است. با سپاس فراوان از پژوهشگر ارجمند، آقای محمد تقی احمدپور، آن را توشه راه برنامه‌سازان گران قدر صدا و سیما می‌سازیم.

آنه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

هنگامی که ناامیدی، سایه مرگ را بر جامعه مسلمانان هند گسترده بود و عقب‌ماندگی، سستی و بی‌خبری، سرود وحشت را در گوش مردم آن سامان می‌سرود، ستاره اقبال در آسمان تاریک سیالکوت درخشید و شب‌های تیره و طولانی آن را به فرداهایی روشن‌تر از صبح صادق تبدیل کرد. طولی نکشید که فروغ این ستاره از سرزمین هند گذشت و به جهان اسلام زندگی دوباره بخشید. علامه محمد اقبال لاهوری که اکنون جهان، او را به عنوان یک شاعر، فیلسوف، اندیشمند، سیاست‌مدار و مصلح اجتماعی بزرگ می‌شناسد، پس از آنکه قلبش از سرچشمه زلال اسلام، قرآن و ارزش‌های بلند انسانی در مشرق زمین سیراب شد، به اروپا رفت و توانست پس از به دست آوردن بهترین دانش‌های آن سامان، عشق و ایمان شرقی را با دانش غربی درآمیزد و به مرتبه‌ای برسد که «نه شرقی و نه غربی»، بلکه «اسلامی» است.

روح بلند او از دردها و مشکلات جامعه پریشان، استعمارزده و روبه نابودی خویش، غمگین بود. از این رو، به اجتماع دردمند خود بازگشت تا راه چاره‌ای بجوید. او نه تنها در برابر فرهنگ‌گذاری غرب، خود را نباخت و غرب‌زده نشد، بلکه به مرز خود آگاهی رسید. اقبال که جامعه‌اش را بیگانه از خویش خویش و شخصیت و هویت اسلامی آن را از دست رفته می‌دید،

نخستین مأموریتش را نواختن صور بیدارباش در گوش خفتگان شرقی و دعوت به بازگشت به ارزش‌های فراموش شده اسلامی و ایمان به قدرت بزرگ انسان برای تعیین سرنوشت خویش قرار داد.

هدف او، بیان «اسرار خودی» و آموزش «رموز بی‌خودی» برای یافتن «خودی از دست رفته» بود و وسیله‌ای که برای رساندن این پیام انتخاب کرد، مؤثرترین و کارآمدترین ابزار، یعنی زبان شعر بود که با طبع مردمان شرق سازگارتر است. از این رو، اندیشه‌های خویش را در قالب کلمه‌های موزون و دلکش ریخت و بدان شیرینی و جذابیت ویژه و مفهوم دیگری بخشید. از شعر او نه بوی مدیحه سرایی و تملق‌گویی می‌آید، نه فقهه فریب و سرگرم کردن مردم و به انزوا و نیستی کشاندن آنها در آن نمایان است. هرچه او می‌گوید، همه از زندگی، نوآفرینی، بودن، توانستن و ساختن است و پاسخ به این پرسش که: «پس چه باید کرد، ای اقوام شرق؟» شعر او، همه‌پند و اندرز و «جاویدنامه‌ای» است برای جاوید زیستن. «پیام شرق» او نیز زخمه‌ای است که تارهای زنگار گرفته وجود ما را شور و آهنگ انقلابی می‌بخشد.

او تنها از سستی و بی‌خبری شرقیان و جمود فکری آنان انتقاد نمی‌کند، بلکه در برابر جنون و بی‌دینی غربیان نیز زبان به انتقاد می‌گشاید و غرب را به دلیل دور ماندن از معنویت‌ها، از داشتن یک ایدئولوژی برای خوش‌بخت کردن بشریت بی‌بهره می‌داند. اقبال به شرقیان هشدار می‌دهد که غرب با همه پیشرفت‌های علمی و فنی، سرانجام به دلیل بی‌دینی و جدا شدن از مذهب، خود را به قتلگاه نیستی می‌کشاند و به وسیله همان ماری که در آستین خویش پرورده است، نابود خواهد شد. او دموکراسی‌های حاکم بر غرب را که از مسائل مادی سرچشمه گرفته است، وسیله‌ای برای چپاول ملت‌های دیگر و سرزمین‌های

ضعیف می‌داند. بنابراین، غرب را نه تنها شایسته تقلید نمی‌داند، بلکه بر این باور است که اگر مسلمانان و شرقیان، دانش و پیشرفت‌های فنی را فراگیرند و با عشق و ایمان خویش درآمیزند، آینده جهان را به دست خواهند گرفت.

اقبال، سیاست‌مداری است که اگر به سیاست رو می‌کند، نه بدان دلیل است که پست و مقامی به دست آورد و هر روز از رنگی به رنگ دیگر درآید تا دیگران را بهتر فریب دهد و اغفال کند، بلکه تنها به دلیل احساس مسئولیتی است که به عنوان روشن‌فکر بر دوش خود احساس می‌کند. تنها رنگی که این سیاست‌مدار به فعالیت‌های خود می‌زند، رنگ اسلامی است و سروری و ریاست را در خدمت‌گزاری به مردم می‌داند و پس او نه تنها اغفال نمی‌کند و فریب نمی‌دهد، بلکه آگاهی می‌بخشد و از غفلت می‌رهاند و کشوری را پایه‌گذاری می‌کند که پاکستان، یعنی سرزمین پاکان نام دارد.

پیام اقبال تنها برای مردم و سرزمین خویش نیست، بلکه ندایی است برای ایجاد انقلاب اسلامی در همه کشورها و میان همه ملت‌ها؛ فریادی است برای ایجاد اتحاد، برادری و دوستی بر محور اسلام. این پیام نه تنها نسل امروز، بلکه نسل‌های فردا و همه زمان‌ها و مکان‌ها را پوشش می‌دهد و به خاطر اسلامی و جهانی بودن پیام‌های اوست که امروز ما میان خود و او نزدیکی ویژه‌ای احساس می‌کنیم و با افتخار می‌گوییم: «او، اقبال ما مسلمانان است».